

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.1.10.0

Communication in conversations in Sura al-Imran According to Paul Gerais's theory

(Received: 2022-01-20 Accepted: 2022-04-03)

Akram Sadat Mahmoudi¹, Sudabeh Mozafari²

Abstract

Linguistics is an approach to the study of language that examines the relationship between language and the mind and its social experiences; Cognitive linguistics is one of the interdisciplinary sciences that aims to reflect on the mechanism of the relationship between the structure and the constituent elements of a text to better understand and how the process of completing the meaning hidden in it. Herbert Paul Grace is one of the linguistic analytical philosophers who has commented on conversations and their indirect and implicit meanings in accordance with this view, and his theory is known as Grace's principles of cooperation. Grace sees conversation as purposeful behavior and a form of collaborative interaction. According to his theory, any successful dialogue is based on the observance of four principles of cooperation (quantity, quality, communication and method) and any deviation from the four principles, if it is based on symmetry and logic, leads to communication implication. This article seeks to study the conversations in Surah Al-Imran in the Holy Quran based on the theory of Grace's rules in a descriptive-analytical manner. The results of the research show that in verses 35 to 49 of Surah Al-Imran, 4 principles of cooperation have been violated and the principle of quantity is more frequent in the conversation of Imran's spouse than other principles.

Keywords: Surah Al-Imran, Communication Implication, Paul Grace Theory, Principles of Cooperation.

سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

1) Arshed Zeban's undergraduate daneshjuy , Vadbayat Arb, Daneshga Khwarzemi Karaj, Iran, (The Corresponding Author) email: aks.mahmuodi@gmail.com

2) Ašad Grove Zaban Wadbiath Arb, Dashkent Edbiath and Alam Ansani Daneshgah Khwarazmi Karaj, Iran, Email: Sud_42.mozafari@khu.ac.ir



استلزام ارتباطی در گفتگوهای صورت گرفته در سوره آل عمران (بر اساس نظریه پل گرایس)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰)

اکرم سادات محمودی^۱، سودابه مظفری^۲

چکیده

کاربردشناسی زبان، یکی از دانش‌های بین رشته‌ای است که هدف آن، تأمل و دقت در رابطه با سازوکار ساختار و عناصر سازنده یک متن برای درک بهتر چگونگی روند تکوین معنی و معانی نهفته در آن است و یکی از جنبه‌های کاربردشناسی زبان، بررسی معانی ضمنی پاره گفتارها و معانی بافتی است. در نظر قران، انسان موجودی گفت‌وگو محور محسوب می‌شود، چرا که خداوند در انتقال حقایق و مصالح انسان همواره این راه را برگزیده است و در ارتباط با پیامبرانش، اولین و بهترین راه را برای انتقال اندیشه و حل اختلاف‌ها و رسیدن به نقطه مشترک را گفت‌وگو می‌داند؛ هربرت پل گرایس از فیلسوفان تحلیلی زبان شناختی است که متناسب با این دیدگاه درباره مکالمات و کنش‌های زبانی و معنای غیرمستقیم و ضمنی آنها ارائه نظر کرده و نظریه او به اصول همکاری گرایس معروف شده است. گرایس مکالمه را رفتاری هدفمند و عقلانی و نوعی تعامل مبتنی بر همکاری می‌داند. طبق نظریه وی هر گفتگوی موفق مبتنی بر رعایت ۴ اصل همکاری (کمیت، کیفیت، ارتباط و روش) می‌باشد و هر گونه عدول از اصول چهارگانه چنانچه مبنی بر قرینه و غرض مشخصی و منطقی باشد منجر به استلزام ارتباطی می‌گردد. این جستار در پی بررسی مکالمه‌های موجود در سوره آل عمران در قران کریم بر پایه نظریه قواعد گرایس به روش توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در آیات ۳۵ تا ۴۹ سوره آل عمران از ۴ اصل همکاری تخطی صورت گرفته و اصل کمیت در گفتگوی همسر عمران نسبت به اصول دیگر از بسامد بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: سوره آل عمران، کاربردشناسی زبان، استلزام ارتباطی، اصل همکاری گرایس.

۱) دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران، (نویسنده مسئول) ایمیل: aks.mahmoudi@gmail.com

۲) استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران، ایمیل: Sud_42.mozafari@khu.ac.ir

کاربردشناسی زبان از شاخه‌های اصلی زبان‌شناسی است که انسجام‌گفتمانی را حاصل تعامل کاربران و بافت متن می‌داند، از این رو موضوع آن مطالعه توانایی و قابلیت‌های استفاده از زبان و ساختن جملات مرتبط با بافت است. (Levinson, ۱۹۸۳. p۵). و کاربردشناسی زبان نشان می‌دهد که چگونه «گفتار در موقعیت‌ها معنا می‌یابد.» (Leech, ۱۹۸۳. pX) و کاربردشناسان به دنبال آنند که نمود بیرونی در بافت کاربردی و موقعیتی را تبیین کنند که در آن به کار رفته است. (صانعی پور، ۱۳۸۸: ۶۲) یکی از مفاهیمی که در کاربردشناسی مطالعه می‌شود، کنش‌های کلامی (زبانی) است (Levinson, ۱۹۸۳. p۲۷) که بر شناخت‌شناسی و کاربردشناسی زبان تمرکز دارد و با نظریه پردازانی چون لیکاف، آستین، سرل، گرایس مطرح شده است.

این رویکرد تلاش می‌کند بین نظریه‌های انتزاعی زبان و واقعیات کاربردی آن پیوند برقرار کند، از آنجا که نظریه گرایس اساساً نقش ارتباطی جمله‌ها و از جمله کنش‌های زبانی غیرمستقیم را به خوبی توجیه و تبیین می‌کند از این نظر کمک شایانی به پیدایش و تکوین تحلیل‌گفتمان کرده است. (اقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۳۳) تا جایی که گفته شده است در زبان‌شناسی، کاربردشناسی با آثار گرایس به طور جدی مطرح شده است. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۵۳۷) از سویی با توجه به اینکه بخش بزرگی از بار ادبی و هنری متن‌های روایی بر گفت‌وگو و کنش‌های کلامی استوار است مطالعه و تحلیل دقیق فرایندهای نظام ارتباطی زبان در دیالوگ‌ها در دریافت عمیق‌تر ما از چگونگی عملکرد متن و درک زوایای دقیق معنایی آن بسیار مؤثر است و استفاده از آرای کاربردشناسی زبان ابزار مفیدی در دستیابی به این مقصود است.

قرآن کتابی است که علاوه بر برخورداری از ارزش‌های تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و غیره، به دلیل ذکر داستان‌ها و روایت‌های پیامبران الهی و اقوام گذشته، یک متن روایی - ادبی نیز به شمار می‌رود که زبان هنری بخش‌های روایی آن با توجه به بافت، یعنی «آنچه اندیشمندان معاصر عرب معادل آن را سیاق می‌دانند.» (صانعی پور، ۱۳۸۸: ۵۲) از جنبه‌های مختلف کاربردشناسی قابلیت بررسی دارد. از همین رو این پژوهش در راستای بررسی دقیق چگونگی و میزان نقش کنش‌های زبانی غیرمستقیم شخصیت‌ها در ساخت معنای روایت‌های قرآنی، بر آن است که گفت‌وگوهای همسر عمران و حضرت مریم و حضرت زکریا (ع) را که از موضوعات گفت‌وگو در سوره‌ال عمران هستند را براساس نظریه گرایس و به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی کند، و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- کاربرد اصول همکاری گرایس در گفت‌وگوهای این روایات چگونه، به چه میزان و با چه اهدافی بوده است؟

۲- عدول از اصول چهارگانه در شکل‌گیری معنا و شخصیت‌پردازی در این روایات چه تأثیری دارند؟

این جستار بر کشف و تحلیل لایه‌های زیرین ارتباطات کلامی و دیالوگ‌های بین شخصیت‌های روایت خانواده عمران براساس اصول همکاری متمرکز است در راستای آشکار کردن ظرافت‌های کلامی شخصیت‌ها در حین گفت‌وگو و تأثیر آن در روند شکل‌گیری معنای کلی این روایات، چنانکه بر محور نحوه شکل‌گیری تصویر ذهنی شخصیت‌ها در بافت کلی اثر و نیز ذهن مخاطب می‌چرخد.

شایان ذکر است که برای ترجمه آیات از ترجمه محمد مهدی فولادوند بهره گرفته شده است.

۱-۱- پیشینه

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در حوزه زبان‌شناسی با رویکرد نظریه گرایس انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

لینی عفه الرفقی (۲۰۱۷م) در پژوهش خود با عنوان «الاستلزام الحواری فی سوره الحجرات» به بررسی استلزام ارتباطی و انواع افعال کلامی پرداخته و ماحصل وی در این بررسی، که به مهم‌ترین وجوه استلزامی و انواع استلزام حواری در سوره مبارکه حجرات اشاره نموده است، حاکی از آن است که، تعداد آیاتی که در سوره حجرات دارای استلزام ارتباطی بوده اند، ۱۵ مورد می‌باشد که ۱۲ آیه آن متضمن استلزام عرفی و ۳ آیه متضمن استلزام حواری است.

اسودی علی و احمدی بیغش خدیجه (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «الاستلزام الحواری لحوارات موسی و ابراهیم-علیهما السلام- فی سوره الشعراء وفق نظریه گرایس» انواع اصول گرایس را در گفتارهای دو پیامبر مذکور از آیات مبارکه ۱۰ لغایت ۸۳ مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که هر چهار اصل گرایس (کیفیت هفت مرتبه، کمیت پنج مرتبه، ارتباط شش مرتبه و شیوه سه مرتبه) نقض شده و استلزام‌های ارتباطی مرتبط رخ داده است.

نگار موسوی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «مروری بر علم معانی و نظریات گرایس و تحلیل معانی شعرهای حسین منزوی براساس نظریات گرایس» معانی ضمنی عبارت‌ها و جمله‌ها را در صد غزل منزوی براساس بخش‌هایی از نظریه‌های گرایس در معناشناسی تحلیل و بررسی کرده است و در قسمت اصول همیاری در اشعار حسین منزوی، از بین غزل‌هایی که استحقاق بررسی با اصول همیاری را داشتند، به این نتیجه رسیده است که در مجموع، بیست و سه مرتبه اصل ارتباط، هشت مرتبه اصل کیفیت، یازده مرتبه اصل کمیت، و سه مرتبه از قاعده عدول شده است. علاوه بر این نقض‌های موردی، ۱۲

بار تمام اصول همکاری نقض شده‌اند. یعنی اصل ارتباط بیشتر از بقیه اصول نقض شده است. این نتایج این امر را القاء می‌کنند که گرچه ابیات غزل در بنیاد عمودی خود احتمال دارد، ناپیوسته و بدون ارتباط به هم باشند اما در غزل‌های مورد تحلیل از حسین منزوی این نتیجه حاصل شده است که این ناپیوستگی‌ها و بی‌تناسب‌های ظاهری معمولاً مباشر به معنای ثانویه است.

موسوی ده شیخ (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی قواعد گرایس و نقش آن‌ها در تعیین روابط قدرت بین جنسیت» به بررسی اصول همیاری گرایس و ارتباط آن با روابط قدرت بین جنسیت‌ها پرداخته است؛ بدین صورت که گفت‌وگوهای سه فیلم؛ شهر زیبا، چهارشنبه سوری و درباره‌الی را به عنوان داده‌های پژوهش خود قرار داده است و این پژوهش در چارچوب نظریه اصل همکاری گرایس که نقض یا عدول از این قواعد با نمایش قدرت و یا ضعف مشاکین در ارتباط است، انجام شده است. پس از بررسی‌های لازم به این نتیجه رسیده است که نقض قواعد مکالمه می‌تواند به دلیل تفاوت سطح قدرت مشارکین رخ دهد. علاوه بر این امر، فیلم‌هایی که شخصیت اکثر آن‌ها از جنس مونث هستند نقض قواعد مکالمه‌ای بیشتر از سوی آن‌ها رخ می‌دهد و در شرایطی که شخصیت‌ها اکثراً مذکر باشند نقض قواعد بیشتر از سوی جنسیت مذکر اتفاق می‌افتد.

۲- نظریه گرایس

براساس رویکرد کاربردشناسی در جریان کاربردهای زبانی و انتقال معنا و در مکالمات بین افراد، ساخت معنا تنها فرایند ساده جفت کردن جمله‌ها نیست؛ بلکه عبارات‌های زبانی انگیزه‌ای برای بیان فرایندهای پیچیده ذهنی هستند؛ در یک گفتگو یا متن به هیچ وجه معنای کامل یک عبارت و پاره گفتار به صورت حاضر و آماده در کلمات وجود ندارد. (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۱) زیرا «رابطه میان صورت و نقش در جمله‌های زبان طبیعی الزاماً رابطه یک به یک نیست و جمله‌های زبان در موقعیت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی دارند.» (صفوی، ۱۳۹۲: ۳۸) بنابراین می‌توان گفت در کنش کلامی «زنجیره‌ای از جمله‌های از نظر دستوری خوش ساخت لزوماً یک کنش ارتباطی موفق را به وجود نمی‌آورد...» فهم معنای یک گفته در گرو دانستن چیزی بیش از مصداق آن است باید بار آن را هم فهمید. (مک کاریک، ۱۳۸۵: ۲۵۶-۲۵۷) زیرا گستره دلالتی هر لفظ برحسب معنی آن در زبان یعنی دلالت درون زبانی و ارجاعی آن تعیین می‌شود؛ اما دلالت واقعی و برون زبانی آن وابسته به مجموعه‌ای از عوامل بافتی است (لاینر، ۱۳۹۱: ۴۲۰-۴۲۱) همان چیزی که کاربرد زبان‌شناسی به کشف و تبیین آن توجه دارد. در واقع این رویکرد به چگونگی ارتباط بین صورت‌های زبانی و کاربرد عملی آن‌ها در متن گفتاری یا نوشتاری برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های انسان‌ها از راه گفت‌وگو می‌پردازد. (یول، ۱۳۸۸: ۱۳)

هربرت پل گرایس یکی از فیلسوفان تحلیلی زبان است که متناسب با این دیدگاه مطالعات دقیق و گسترده‌ای درباره مکالمات و کنش‌های زبانی و معانی غیرمستقیم و ضمنی آن‌ها در زبان روزمره انجام داده است که با عنوان «اصول همکاری» گرایس معروف شد. گرایس مکالمه را رفتاری هدفمند و عقلانی و نوعی تعامل مبتنی بر همکاری می‌داند که منطق خاص خود را دارد و بر اصولی مبتنی است که جهانی هستند، یعنی از آنجا که همه زبان‌ها مشترک است از آنها در بررسی معانی مکالمه در تمام زبان‌ها استفاده می‌شود. (Marmaridou, ۲۰۰۰: ۲۵۰) (مک کاریک، ۱۳۸۵: ۲۳۹)، (لاینز، ۱۳۹۱: ۴۱۷)، (Her-man, ۱۹۹۵: ۱۷۴)

از آنجا که در یک گفت‌وگو یا دیالوگ دو شخصیت گوینده و شنونده مطرح است و بیان شفاهی گوینده تنها در ارتباط و با حضور شنونده معنا می‌یابد مکالمه امری مبتنی بر مشارکت و تعاون است. (Herman, ۱۹۹۵: ۱۶۵)

به عقیده گرایس «در تعامل‌های زبانی بین انسان‌ها یک سلسله پیش فرض مشترک برای پیشرفت روند مکالمه وجود دارد که ظاهراً از یک سلسله ملاحظات عقلانی نشأت گرفته است که دستورالعمل برای کاربرد مؤثر زبان در مکالمات با هدف همکاری بیشتر بین طرفین گفت‌وگو محسوب می‌شوند.» (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۳۵) گرایس این اهداف مشترک را «اصل همکاری یا تعاون» می‌نامد، اصلی که به طرفین گفتگو می‌گوید شرکت‌کنندگان در مکالمه باید مشارکت زبانی خود را به قدر کفایت و با توجه به هدف و سمت و سوی مکالمه ادا کنند تا به نحو مؤثر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به هم کمک کنند. (ر.ک. آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۳۶؛ مک کاریک، ۱۳۸۵: ۲۳۹؛ قایمی نیا، ۱۳۸۹: ۳۱۴؛ الام، ۱۳۹۵: ۲۱۱)

۱-۲- قواعد چهارگانه اصل تعاون

اصل تعاون دارای چهار اصل جزئی است که به نام قواعد مکالمه گرایس معروف است و هر کدام از آن‌ها یک یا چند قاعده فرعی دارد که عبارت است از:

۱-۱-۲- قاعده کمیت (quantity)

الف) در گفت‌وگو باید سهمتان از مکالمه مناسب باشد. ب) کمتر یا یا بیشتر از حد نیاز اطلاعات ندهید.

۲-۱-۲- قاعده کیفیت (quality)

الف) مشارکتتان در صحبت باید صادقانه باشد. ب) آنچه را می‌دانید دروغ و نادرست است نگویید. ج) مستدل صحبت کنید و بدون مدرک کافی سخنی نگویید.

۲-۱-۳- قاعده ار تباط (Relation)

طرفین مکالمه باید حرف‌های مناسب با موضوع بزنند و از پرداختن به مباحث بی‌مورد بپرهیزند.

۲-۱-۴- قاعده روش (Manner)

واضح، مختصر و منظم صحبت کنید یعنی از ابهام بپرهیزید، الفاظ نامفهوم به کار نبرید، از اطناپ و کلی‌گویی بپرهیزید و با نظم و ترتیب سخن بگویید (ر.ک. لاینز، ۱۳۹۱: ۴۰۱؛ قایمی نیا، ۱۳۸۹: ۳۱۵-۳۱۶؛ اقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۳۶؛ Grice: ۱۹۷۵. ۴۵-۴۶)

۲-۲- نقض قواعد چهارگانه تعاون (flouting Maxim)

براساس نظر گرایس باید در نظر داشت اصول چهارگانه مشارکت کلامی همیشه و در تمام مکالمات دقیقاً رعایت نمی‌شود و در بیشتر مواقع یکی از طرفین گفت‌وگو از یک یا چند اصل از قواعد چهارگانه کمیت، کیفیت، ارتباط و روش تخلف می‌کند، بدین ترتیب که گاه از یک یا تعدادی از این اصول بی‌سر و صدا تخطی می‌کند و گاه یک اصل را عامدانه نقض می‌کند، گاه یک اصل را کاملاً نادیده می‌گیرد و کنار می‌گذارد و گاه با تأکید بیش از حد بر یک اصل، آن را در تقابل با اصول دیگر قرار می‌دهد. (مک کاریک، ۱۳۸۵: Grice: ۱۹۷۵. ۲۳۹-۴۱. ۴۲)

اما باید توجه داشت هر نوع نقض و تخلف ظاهری از هر یک از چهار اصل کمیت، کیفیت، روش و ارتباط، نشانه‌ای هدفدار است که مخاطب را به جستجو برای درک معنایی و رای معنای ظاهری کلمات و جمله‌ها وادار می‌کند. «در چنین حالتی مخاطب با توجه به شرایط و عوامل حاکم بر بافت سخن به پیام مد نظر متکلم هدایت می‌شود.» (اقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۳۸) گرایس به این پیام که خارج از چهارچوب معنای لفظی جملات است و بیشتر از خلال بافت برون‌متنی کلام به دست می‌آید پیام ضمنی یا تلویحی می‌گوید. به عقیده او معنای ضمنی یا قراردادی است یا مکالمه‌ای، معنای ضمنی قراردادی به سطح واژه‌ها مربوط می‌شود، ولی معنای ضمنی مکالمه‌ای در نتیجه نقض قواعد مکالمه حاصل می‌شود. (Gric: ۱۹۷۵. ۲۲۵p)

آنچه مد نظر گرایس است معنای ضمنی مکالمه‌ای است، زیرا برخلاف درک معنای ضمنی قراردادی است که از خود گفته برمی‌آید و معنای ضمنی مکالمه‌ای به تلویح از بافت بیرونی کلام و با قراردادهایی درک می‌شود که در تمام زبان‌ها بین گوینده و مخاطب یکسان است. همچنین باید توجه داشت اگرچه نقض قواعد اصل همکاری در حین گفتگو انحراف‌های آگاهانه‌ای از قواعد مکالمه انجام می‌شود ولی کارکرد ارتباطی مکالمه مختل نمی‌شود، زیرا با اینکه در ظاهر نقض قواعد مشارکت از سوی گوینده غیر همیارانه به نظر

می‌آید در واقع مبتنی بر این همیاری است که با توجه بافت و زمینه کلام، گوینده از توانایی مخاطب در استنباط معنای ضمنی آگاهی دارد، معنای ضمنی که مد نظر او بوده و آن را با تخطی از قواعد تعاون منتقل کرده است. (اکو، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۳)

از جمله نمونه‌هایی که نشان دهنده نقض قواعد مکالمه است می‌توان به ابهام در کلام، تغییر موضوع بحث، گوشزد کردن یک مطلب اشاره کرد که البته هر یک با توجه به بافت و زمینه گفتگو، هدف و مضمون خاصی چون رعایت ادب، تمسخر و طعنه زدن، طفره رفتن از پاسخ دادن را در پی دارد. (سعیدی، ۱۳۹۱: ۷۴)

۳- اصول مکالمه در گفت‌وگوهای داستان خاندان عمران

این پژوهش به بررسی و تحلیل داستان‌های سوره آل‌عمران از جمله تولد حضرت مریم (ع)، بچه‌دار شدن حضرت زکریا (ع) و ولادت حضرت عیسی (ع) به منزله متن روایی براساس نظریه همکاری گرایس اختصاص دارد. زیرا «قرآن عظیم‌ترین اثر ادبی به زبان عربی است و این کتاب چون کتب ادبی دیگر به روش ادبی مطالعه می‌شود.» (مهدوی راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶) و از آنجا که «گفت‌وگو به معنای مکالمه و سخن گفتن با هم رد و بدل کردن عقاید و افکار است» (میر صادقی، ۱۳۸۶: ۴۶۸) و اصل همکاری گرایس به بررسی گفت‌وگو بین دو شخصیت می‌پردازد، لذا در این پژوهش تنها مکالماتی که بین دو نفر و به صورت منسجم است مبنای بررسی قرار گرفته است. بنابراین از بررسی معدود نمونه‌هایی چون تک‌گویی‌های درونی و گفته‌های یک‌جانبه و بدون پاسخ چشم‌پوشی شده است. همچنین برای انسجام بحث ابتدا این روایت براساس کنش‌های اصلی به چند قسمت تقسیم شده و سپس گفت‌وگوهای موجود در هر یک آن‌ها از نظر چگونگی کاربرد قواعد مکالمه مورد بررسی قرار گرفته است:

۳-۱- معرفی سوره

سوره آل‌عمران سوره‌ای مدنی و هشتاد و نهمین سوره قرآن است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. سوره بقره و سوره آل‌عمران زهراوان نام گرفته‌اند. نام‌گذاری این سوره به نام آل‌عمران به دلیل وجود واژه عمران در دو آیه از این سوره است. در آیه ۳۳ به خاندان عمران ذیل عنوان آل‌عمران و در آیه ۳۵ به عمران پدر حضرت مریم (ع) اشاره شده است. (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۱۲۳۶) نام دیگر این سوره «طیبه» یعنی پاک و پاکیزه از آلودگی‌ها و اتهامات است که به پاکی حضرت مریم از گناهان و تهمت‌ها اشاره دارد. (سرمدی، ۱۳۹۶: ۶۷۹) این سوره دومین سوره از سوره‌های مقطعات است که با حروف مقطعه «الم» آغاز شده (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۷۹) و بعد از سوره بقره و سوره نساء سومین سوره بزرگ قرآن است که حدود یک و نیم جزء از قرآن را دربردارد و جزو سوره‌های سبع طوال شمرده شده است

(زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۹؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۱۰۰-۱۱۵) علامه طباطبایی هدف اصلی سوره آل عمران را دعوت مؤمنان به اتحاد، صبر و استقامت در برابر دشمنان اسلام و رهایی آن‌ها از شبهات دینی و وسوسه‌های شیطانی، و یادآوری حقایق دین را به آنان می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۹۳)

این سوره به تاریخ انبیاء از جمله: آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (ع)؛ زندگی و فضایل حضرت مریم (ع) و خاندان وی، توطئه‌های پیروان متمرّد حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) در برابر اسلام پرداخته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳) مکالمات مطرح شده در سوره آل عمران: ۱) موضوع گفتگو: نذر همسر عمران و فرزندش و گفت‌وگو با خدا (۲) موضوع گفتگو: بیان داستان نحوه تولد حضرت مریم (ع) (۳) موضوع گفت‌وگو: گفتگوی حضرت زکریا و مریم (ع) (۴) موضوع گفتگو: گفت‌وگوی حضرت زکریا (ع) (۵) موضوع گفتگو: برگزیدن حضرت مریم (ع) و تولد فرزندش

۳-۲- نقض قاعده گرایس در نذر همسر عمران و فرزندش و گفت‌وگو با خدا

مکالمات سوره آل عمران از آیه ۳۵ با موضوع نذر مادر حضرت مریم شروع می‌شود و در آیه ۴۹ که حول محور علت خلق و تولد حضرت عیسی (ع) می‌چرخد به پایان می‌رسد و سایر آیات به صورت روایت تاریخی یا مونولوگ و گفتگوهای یک طرفه با جنبه دستوری و امر و نهی به تصویر کشیده شده است. اینک به بررسی نقض قاعده گرایس و علت آن در آیات ۳۵ تا ۴۹ می‌پردازیم. نخستین مکالمه در آیه ۳۵ از سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (آل عمران: ۳۵)؛ «چون زن عمران گفت پروردگارا آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی.» (فولادوند)

پس از آن که خدای سبحان برگزیده بودن آل عمران را یاد فرمود در پی آن ذکر مریم را آورده می‌فرماید:

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ﴾: درباره اصالت عمران اختلاف نظر است، بنا بر گفته ابن عباس، عمران بن ماثان است یا عمران بن هشم از نسل سلیمان و این غیر از عمران پدر موسی است و بین آن دو عمران ۱۸۰۰ سال فاصله است. همسر عمران مادر مریم و جده عیسی است. و به حنه موسوم است، وی خواهری به نام اشیاخ داشت که همسر زکریا بود. پس یحیی و عیسی پسر خاله یکدیگرند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷)

﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي﴾: «پروردگارا، نذر یعنی واجب کردم برای تو که آنچه در شکم دارم»، مُحَرَّرًا: یعنی خادم بیعه (که نام معبد یهود است) تا خدمت عابدان کند. برای محرر چند معنی دیگر آمده است:

۱) آزاد و خالص برای عبادت (از شعبی) ۲) آزاد و خالص برای اطاعت تو، یعنی او را هرگز برای کارها و انجام حوائج خود بکار ننگمارم (از محمدبن جعفر).

- در بنی اسرائیل طفلی را که محرر می شد در کنیسه منزل می دادند تا در آنجا خدمت کنیسه کند و امور آن را انجام دهد و معتکف در آن باشد تا زمانی که بالغ گردد، و پس از بلوغ مخیر بود که در آنجا به همین سان بماند یا اینکه به هر جا خواهد برود.

﴿إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ﴾: «همانا تو شنوایی» بدانچه می گویم. الْعَلِيمُ: (دانایی) به آنچه نیت من است و از این رو اطمینان به تو بجاست. تحریر فرزند چه به وسیله پدر باشد یا مادر، تحریر از بردگی نیست و دختر عمران برده نبوده تا مادرش او را آزاد کند، پس تحریر در این آیه آزاد کردن از قید ولایتی است که والدین بر فرزند خود دارند و با داشتن آن ولایت، او را تربیت می کنند و در مقاصد خود بکار می برند و اطاعتشان بر فرزند واجب است. (طبرسی، ۱:۳۷۲: ۴۷)

پس با تحریر، فرزند از تسلطی که پدر و مادر بر او دارند خارج می شود، دیگر پدر و مادر، او را به خدمت نمی گیرند، و اگر این تحریر به وسیله نذر و به خاطر خدا انجام شود، معنایش این می شود که این فرزند در ولایت خدا داخل شود، تنها او را بپرستد و خدمت کند و خدمت خدا کردن به این است که در مسجد و کلیسا و اماکن مقدسه ای که مختص عبادت خدا است خدمت کند، در حالی که اگر این نذر نبود فرزند می بایست پدر و مادر خود را خدمت می کرد. بعضی هم گفته اند: رسم این بوده که پدران و مادران فرزند خود را برای خدا تحریر می کردند و بعد از این تحریر، دیگر فرزند خود را در منافع شخصی خود به کار نمی گرفتند و در حوائج خود استخدام نمی نمودند، بلکه او را در کنیسه می بردند تا آنجا را آب و جاروب کند و خادم آنجا باشد، و این فرزند هم چنان به خدمت خود ادامه می داد تا به حد بلوغ می رسید، در آن موقع دیگر اختیار با خودش بود، می توانست به خدمت خود در معبد ادامه دهد و می توانست از آنجا بیرون شود. و این آیه دلالت دارد بر اینکه مادر مریم معتقد بوده به اینکه فرزندی که در شکم دارد پسر است نه دختر، چون مناجاتی که با خدا دارد قاطعانه است و در آن شرط نکرده که اگر فرزندم پسر بود تحریر می کنیم، بلکه به طور قطع گفته: ﴿نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا﴾ از اینجا معلوم می شود مطمئن بوده که فرزندش پسر است. در حکایتی که خدای تعالی از کلام جازم مادر مریم کرده فهمیده می شود که اعتقاد او اعتقادی خرافی و یا ناشی از پاره ای نشانه های حدسی، که با تجربه و امثال آن به ذهن زنان می رسد نبوده، چون همه این ها ظن است نه علم و اعتقاد. (طباطبایی، ۱:۳۹۰: ۲۶۸)

همسر عمران با خدای خود از نذرش که همانا فرزند در شکمش بوده و نیز تحریر فرزند به گفت و گو می نشیند سپس نذر خودش را با خدا در جمع دیگران مطرح می کند و بدین ترتیب نقض قاعده کمیت اتفاق می افتد، زیرا بیان این مسائل توسط وی حاوی دو نکته مهم است:

وی این فرزند را از عمران باردار شده و سلامت فرزند خویش را تأیید می کند زیرا عمران در ماه‌های اولیه بارداری از دنیا رفته در حالی که اثر حمل در همسرش آشکار نبوده است، در اینجا نقض قاعده کمیت رخ می دهد زیرا با اینکه مسئله نذر نیاز به توضیح نداشته و قراردادی میان خدا و بنده است آن را مجدداً در میان دیگران مطرح می کند تا هم خود را از هر تهمتی تبرئه کند و هم این که فرزندش - هر چه باشد - در راه خدا نذر معبد شده نمی توان نذر عمل اتفاق افتاده را شکست. در اینجا همسر عمران کلمه تحریر را هم برای اطرافیان و هم برای اهل معبد توضیح می دهد برای این که پیش‌بینی عمران در مورد فرزندش را به همه یاد آوری کند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۷۲۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰۲؛ فتح الله کاشانی، بی تا: ۲۱۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۰۸؛ محمدباقر همدانی، ۱۳۷۴: ۶۸۷)

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنَّنِي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران ۳۶)؛ «پس چون فرزندش را بزایید گفت: پروردگارا، من دختر زاده‌ام و خدا به آنچه او زایید دانایتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم.» (فولادوند)

از قرینه‌های لفظی موجود در آیه، مانند تکرار کلمه «انثی» و ذکر عبارت «لیس الذکر کالانثی» چنین برمی آید که گفتگو بین خدا و همسر عمران دارای نکاتی است که منجر به نقض قاعده گرایش از نظر کمیت کیفیت و ارتباط می شود. و نخستین علت آن، نتیجه وضع حمل همسر عمران و صحبت او با خداست که ضمن آن اعلام می دارد که نذرش دختر است و این، نشانی از تحسر دارد بدین سبب که نتوانسته در وعده خود با خدا وفادار باشد، علت بعدی، اعتذار است چون براساس قرارداد معابد و راهبان، دختران به دلیل ویژگی حیض و نفاس نمی توانستند در معبد خدمت کنند، و این یکی از دلایلی است که در کلام همسر عمران برای چند بار تکرار می شود، و از آنجا که این امر برای خداوند واضح بوده و نیازی به توضیح ندارد کمیت قاعده مکالمه را زیر سوال می برد؛ البته نقض‌های موجود در قرآن علت دارد که در جای خود پاسخگوی آن‌هاست. نکته قابل توجه در اینجا استفاده از فعل ماضی در ۴ خبر ذکر شده در این آیه است که به قرینه استفاده از فعل مضارع اعیذها، عدول به زمان مضارع دارد، و این بر تجدیدی بدون انقطاع دلالت دارد. (نظر نویسنده با تاسی از قسمت بلاغت، الأعراب القرآن الکریم درویش ۱۴۲۰: ۴۲۸ و ۴۲۹)

در بیان اسم دختر حضرت عمران یعنی مریم، شاهد نقض قاعده کمیت می باشیم. زیرا مریم به معنای عابده است و کسانی که در هنگام وضع حمل حنه - همسر عمران - حضور دارند می دانند که اگر چه دختر به سبب شرایط طبیعت و جسمش نمی تواند مانند پسر به معبد خدمت کند، ولی همچنان نذر وفای آن بر جای خود باقی بوده، وی عابد و خلدمتگزار معبد باقی می ماند و بدین وسیله مریم و فرزندش از شر و وسوسه‌های شیطان مصون خواهند ماند.

در ﴿وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ﴾ صنعت اطناب وجود دارد و تصریح در نامگذاری به نیت تقرب به خداوند و خدمت به بیت المقدس صورت گرفته و مؤید ادای نذر همسر عمران است. و نقض قاعده در مکالمه به دلیل وجود اطناب در جمله است که همسر عمران کلی گویی کرده و به دلایلی نمی‌توانسته مختصر و موجز صحبت کند. (همان، ۱۴۲۰: ۴۳۰؛ زمخشری، ۴۰۷: ۳۲۰)

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران/۳۷)؛ «پروردگارش وی [=مریم] را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت [می]گفت ای مریم این از کجا برای تو آمده است او در پاسخ می‌گفت این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد.» (فولادوند)

در آیه فوق نیز نشانه‌هایی از نقض قاعده گرایش مشاهده می‌شود چنان که بین «فَتَقَبَّلَ» و «قَبُولٌ»، «وَأَنْبَتَ وَنَبَاتًا»، «رِزْقًا وَ يَرْزُقُ» جناس اشتقاق وجود دارد. چنان که در این آیه از فن اشاره نیز استفاده شده یعنی تعبیر به لفظ ظاهر از معنای مخفی که اراده شده است. و تنوین در «رِزْقًا» تنوین تنکیر و برای افاده شیوع و کثرت است نه یک جنس، در فنون ادبی زمانی که کلمه‌ای در جای خودش استفاده نشده و در لفظ و معنا مغایرت دارد نمایانگر وجود کلام ضمنی و بیانی دیگر در ذهن نویسنده و شاعر است که عامدانه این کلمه را آورده است، خداوند در این سوره با هدف خاصی آن را بیان می‌کند. نقض قاعده کمیت و کیفیت و روش در نوع گفت‌وگوها در این آیه اتفاق افتاده است. (نظر نویسنده با تاسی از درویش، ۱۴۲۰: ۴۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۹)

بعد از حضور حضرت مریم (ع) در معبد به عنوان خادم و قبول کفالت وی توسط زکریا (ع)، به داستان مائده آسمانی در برابر حضرت مریم می‌رسیم که دارای نقض قاعده کمیت است، زیرا هر دو شخصیت مذکور دارای مرتبت کمال الهی و برگزیده پروردگار بودند به ویژه حضرت زکریا (ع) که پیامبر و رسول بوده و از شناخت کافی نسبت به علم و حکمت و رزاقیت پروردگار برخوردار است، بنابراین به نظر می‌رسد پرسش‌ها و پاسخ‌های متبادل میان آن‌ها در مورد مائده آسمانی بسیار بدیهی و پیش پا افتاده است گویا اراده پروردگار بر این قرار گرفته که ضمن این مکالمات واضح و مبرهن، امر و حکمتش را به عالمیان اثبات کند. مطالب مهمی در این مکالمه به ظاهر ساده وجود دارد که باید به مردم هر عصر و زمان گوشزد شود یعنی یادآوری کردار و حکمت و رزاقیت پروردگار، که به ساعت‌ها اندیشه در این تدابیر نیاز دارد، و این برگزیدگان الهی خود مورد این تدابیر الهی قرار گرفته‌اند و این مسائل برای همه اقشار مردم و در هر زمان از طرف پروردگار رخ خواهد داد، لذا توضیحات

اضافه خارج از قاعده مکالمه بوده به نقض کمیت می انجامد، ولی این نقض هدفدار بنا بر حکمت الهی باید اتفاق می افتاد. (درویش، ۱۴۲۰: ۴۳۳)

۳-۳- نقض قاعده گرایس در داستان حضرت زکریا (ع)

﴿هَذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * فَنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن الله يبشرك بيحيى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَ رَبِّ أَنْبِئْ بِي كَيْفَ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ * قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرَمًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعُشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ (آل عمران ۳۸-۴۱)؛ «آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی (۳۸) پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می کرد فرشتگان او را ندا دردادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی که تصدیق کننده [حقانیت] کلمه الله [=عیسی] است و بزرگوار و خویشنندار [=پرهیزنده از آنان] و پیامبری از شایستگان است مژده می دهد. (۳۹) گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود در حالی که پیری من بالا گرفته است و زخم نازا است [فرشته] گفت [کار پروردگارا] چنین است خدا هر چه بخواهد می کند (۴۰) گفت پروردگارا برای من نشانه ای قرار ده فرمود نشانه ات این است که سه روز با مردم جز به اشاره سخن نگویی و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی» (۴۱) (فولادوند)

بعد از همه عبادت‌ها و فعالیت‌های حضرت مریم (ع) در معبد، و پس از جستجوی وی برای یافتن غذا و عدم موفقیت، وی مجدداً روی به عبادت می آورد که ناگهان از آسمان مائده‌ای نازل می شود، آنگاه که حضرت زکریا (ع) با این صحنه باشکوه و شگفت مواجه می شود علی‌رغم اطلاع از چگونگی ماجرا، اما چگونگی این رخداد عجیب را از حضرت مریم (ع) جویا می شود و اینجا، گفت‌وگو به نقض قاعده کمیت منجر می شود، زیرا پرسش و پاسخ‌هایی در خصوص نزول مائده آسمانی بین این دو شخصیت قرآنی رد و بدل می شود که اصل و حکمت آن‌ها برایشان واضح و آشکار است. و از طرفی دیگر، وجود اطناب در کلام، ما را به نقض قاعده روش هدایت می کند چرا که در قاعده روش از اصول چهارگانه گرایس کلام باید موجز و مختصر باشد و در عین حال از ابهام و کلی گویی در مکالمات پرهیز شود، ولی در این گفت‌وگوها خرق قاعده روی داده است، پس موارد نقض اصول گفت‌وگو در آیات فوق را می توان در سه امر زیر خلاصه کرد:

- تبیین حکمت و اراده الهی و نیز چرایی و چگونگی معجزه برای کسانی که خود از زمره مرسلین هستند ولی در عین حال آنها نیز بیش از پیش به دلگرمی و شناخت هرچه بیشتر پروردگار خود نیازمندند.

چنانچه انسان‌ها در هر زمان و مکانی خدا را از صمیم قلب و خلوص نیت بخوانند لاجرم خداوند پاس‌خگوی آنان خواهد بود مشروط به این که آن مراتب خواسته شده از طرف پروردگار را نیز در مسیر طاعت و بندگی بیش از پیش خود قرار دهند.

سومین مورد نقض قاعده روش در آیه ۴۱ ﴿إِلَّا رَمًا﴾ به چشم می‌خورد که به صراحت این نقض را به منصفه ظهور می‌رساند، چرا که بر اساس دستور مستقیم پروردگار، از نشانه‌های بارداری همسر زکریا (ع) رمز آلود سخن گفتن و بی‌حرکت ماندن اعضای گویش اوست، پس در این آیه به دلیل کلی‌گویی که از طرف پروردگار به زکریا (ع) سفارش شده و او ناگزیر از اطاعت و انجام آن است نقض قاعده کیفیت نیز مشهود است. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰۲؛ فتح الله کاشانی، بی تا: ۲۱۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۰۸؛ محمدباقر همدانی، ۱۳۷۴: ۶۸۷)

۳-۴- نقض قاعده گرایش در داستان برگزیده شدن حضرت مریم (ع) و تولد حضرت عیسی (ع)

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ * ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَا مَهْمُ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ *﴾
 ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ الْمُقَرَّبِينَ *﴾
 ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ الْمُقَرَّبِينَ * وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمَنْ الصَّالِحِينَ *﴾
 ﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران/۴۲-۴۷)
 یاد کن هنگامی که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است (۴۲) ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما (۴۳) این [جمله] از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم و [گرنه] وقتی که آنان قلم‌های خود را [برای قرعه کشی به آب] می‌افکندند تا کدام یک سرپر (یاد کن) هنگامی [را] که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است (۴۴) سرپرستی مریم را به عهده گیرد نزد آنان نبودی و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند نزدشان نبودی (۴۴) یاد کن هنگامی [را] که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است (۴۵) و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است (۴۶) مریم گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی

خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است گفت چنین است [کار] پروردگار خدا هر چه بخواهد می آفریند چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می گوید باش پس می باشد. (۴۷)» (ترجمه فولادوند)

با تکرار فعل «اصطفاک» در آیه ۴۲ قاعده کمیت نقض می شود گرچه این تکرار هدفمند بوده و دارای معنای تلویحی است و این برگزیدگی با دو رکن اتفاق می افتد که ذکر آن ها ضروری است و نکته دیگری مترتب بر این گزینش است، زیرا باید ادب برگزیدگی از طرف حضرت مریم (ع) رعایت شود و این آداب از طرف جبرئیل به وی آموزش داده می شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۸-۲۳۹)

در این آیات در گفت و گوی بین جبرئیل و حضرت مریم (ع) نقض قاعده روش روی داده است، در ضمن تبیین آداب، اخباری شگفت به حضرت مریم (ع) ابلاغ می شود که او را در جایگاه گفت و گو با حق - تعالی - قرار می دهد، از جمله این اخبار، قرعه کشی سران معبد در خصوص مسأله کفالت اوست و نیز رسالت بزرگی که در ضمن اخبار غیبی به او واگذار می شود، یعنی تولد پیامبری که حملش بر عهده او نهاده شده و باید از زمان حمل تا فارغ شدنش طبق فرمان الهی رفتار کند؛ و همه این اخبار در این آیات به صورت کلی به حضرت مریم (ع) القا می شود و در آیاتی دیگر برای تبیین هر چه بیشتر ماجرا حضرت مریم (ع) سؤالاتی می پرسد مبنی بر چگونگی رخ دادن این حمل برای او بدون این که انسانی به عنوان همسر در کنار او باشد و خداوند برای توضیح و توجیه وی اراده بی بدیل الهی را مطرح می کند که بدون فوت وقت و کمتر از لحظه ای اراده اش موجودیت می یابد؛ همه این نکته ها در این آیات مصداق نقض قاعده کمیت و روش است. همان گونه که در راستای توجیه سران معبد و نسل های آینده به توضیح و شرح موارد مختلف از قبیل شباهت آفرینش حضرت آدم (ع) و تولد حضرت عیسی (ع) می پردازد که به اطناب می انجامد و اگرچه اطناب هدفمند صورت گرفته اما ناقض قاعده کیفیت است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰۳؛ فتح الله کاشانی، بی تا: ۲۱۳؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۱۰-۱۰۹؛ محمدباقر همدانی، ۱۳۷۴: ۶۸۹-۶۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۹)

نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی روایت مربوط موجود در آیات ۳۵ تا ۴۹ از عناصر گفت و گوی شخصیت های مختلفی مانند حنه - همسر عمران -، حضرت زکریا (ع)، حضرت مریم (ع)، خداوند متعال و جبرئیل بدین شرح است:

- در این روایات نمونه نقض و تخطی از اصول کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه از سوی هر دو طرف گفت و گو دیده می شود و میزان تخطی از اصول تعاون گرایس از سوی شخصیت های این روایات نشان می دهد بیشترین میزان تخطی را در مکالمه به ترتیب

اصول کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه به ترتیب مربوط به همسر عمران، حضرت مریم (ع) و حضرت زکریا (ع) است.

- انگیزه تخطی در اصول چهارگانه در مکالمه از هر دو طرف متفاوت است و در نقض قواعد صورت گرفته قاعده کمیت از بیشترین بسامد برخوردار است. سپس اصل کیفیت و سومین جایگاه را نقض قاعده روش به خود اختصاص داده است و سرانجام اصل ارتباط که در گفت‌وگوهای متبادل بین اعضای خانواده عمران و در زندگینامه حضرت مریم (ع) به چشم می‌خورد.

- یکی از وجوه ادبی اعجاز قرآن تخطی‌های صورت گرفته از اصول مکالمه گرایس در گفت‌وگوهای قرآنی است که این تخطی‌ها کاملاً هدفمند، براساس حکمت الهی و هماهنگ با ابتدا و انتهای سوره و ترتیب آیات و نتایج است.

- بررسی و تحلیل آیات و روایات قرآنی براساس نظریات و مکاتب نوین نقد و تحلیل، افق گسترده‌تری را در مقابل دیدگان مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی گشوده و به خوانش جدیدی از کلام الهی و دریافت اسرار شگرف نهفته در آن می‌انجامد.

کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۳۷۶ش): «ترجمه محمد مهدی فولادوند»، تهران: دارالقرآن الکریم.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵ش): «تحلیل گفتمان انتقادی» تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکو، امیر تو (۱۳۸۳ش): «استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی آفرینی»، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
- الام، کر (۱۳۹۵ش): «نشانه شناسی تئاتر و درام»، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: نشر قطره.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «أنوار التنزیل وأسرار التأویل»، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خرمشاهی، قوام الدین (۱۳۷۷ش): «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی»، تهران: دوستان- ناهید.
- درویش، محی الدین (۱۴۲۰ق): «اعراب القرآن الکریم و بیانہ»، لبنان-بیروت: نشر دار الاحیاء التراث الادبی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دار الکتب العربیه.
- روشن، بلقیس واردی بیلی، لیلا (۱۳۹۲ش): «مقدمه ای بر معناشناسی شناختی»، تهران: نشر علم.
- سرمدی، محمود (۱۳۹۶ش): «سوره آل عمران در دانشنامه معاصر قرآن کریم»، قم: انتشارات سلمان آزاده.
- سعیدی، غلامعباس (۱۳۹۱ش): «بررسی زبان شناختی تناسب آیات بر پایه اصل همکاری گرایس»، آموزه های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی، کارگفتی در قرآن کریم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ش): «المیزان فی تفسیر القرآن» بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو.
- صانعی پور، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۱ش): «سازہ شناسی متن قرآن»، مجله آموزه های قرآنی، شماره ۱۵، بهار و تابستان.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۲ش): «معنی شناسی کاربردی»، تهران: انتشارات همشهری.
- طالبقانی، محمود (۱۳۶۲ش): «پرتویی از قرآن»، تهران: انتشارات قدیانی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق): «تبیان فی تفسیر القرآن» بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش): «بیولوژی نص نشانه شناسی و تفسیر قرآن»، تهران: سازمان پژوهش.
- کاشانی، فتح الله (بی تا): «تفسیر منهج الصادقین فی الزام مخالفین»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لاینز، جان (۱۳۹۱ش): «درآمدی بر معناشناسی زبان»، ترجمه کوروش صفوی، تهران: علمی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق): «تفسیر الکاشف»، تهران: دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- مک کاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵ش): «دانش نامه نظریه های ادبی معاصر»، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، تهران: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مهدوی راد، محمدعلی، جباری امیر عطا الله و بهشتی نرگس (۱۳۹۱ش): «نوشته های قرآنی در نگاه محمد عابد الجباری»، آموزه های قرآنی بهار و تابستان ۹۱، ش ۱۵، صص ۷۳-۱۰۰.
- میر صادقی، جمال (۱۳۸۶ش): «ادبیات داستانی، قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان»، تهران: نشر سخن.
- Grice, H. P. (1975), Utterer's Meaning, Sentence Meaning and Word Meaning. In foundations of language, international Journal of Language and Philosophy, Vol. 4, D. Reidel Publishing Company: Dordrech-Holland.
- Grice, H. P (1975), "Logic and Conversation". In Syntax and Semantics, Vol.3 Speech

- Acts. Eds, Peter Cole and Jerry L. Morgan, New York, San Francisco and London: Academic Press
- Herman, Vimala (1995), *Dramatic Discourse: Dialogue as Interaction in plays*, London and New York: Routledge
 - Leech, Geoffrey (1983), *Principles of pragmatics*, London: Longman
 - Levinson, S.C (1983), *Pragmatics*, Cambridge: Cambridge University Press
 - Marmaridou, Sophia S. A (2000), *Pragmatic Meaning and Cognition*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.



سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

Bibliography

- The Holy Quran, (1997: Translated by Mohammad Mehdi Fouladvand, Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Mr. Golzadeh, Ferdows (2006): Tehran's Critical Discourse Analysis : Scientific and Cultural Publications.
- Eco, Umberto (2004): "Metaphor of the basis of thinking and the means of beauty creation", by Farhad Sassani, Tehran: Sura Mehr.
- Al-Alam, Kerr (2016): "Semiotics of Theatre and Drama", translated by Farzan Sojoudi, Tehran: Ghatreh Publications.
- Baydawi, 'Abd Allah b. 'Umar (1418/1418): "Anwar al-Tanzil and Asrar al-Ta'wil", research by Muhammad Abd al-Rahman al-Marashi, Beirut: Dar Ahya al-Tarath al-Arabi.
- Khorramshahi, Ghavamoddin (1998 OR 1998): "Encyclopedia of Quran and Quran Research", Tehran: Friends Nahid.
- Darvish, Muhyiddin (1420/1420): "Arabs al-Qur'an al-Karim and Bayanah", Lebanon_Beirut: Publication of Dar al-Ahya Taras al-Adbi.
- Zamakhshari, Mahmoud (1407/1918): "Al-Kashf as Haqqaq Gawaz al-Tanzil," Beirut: Dar al-Kutb al-Arabiya.
- Roshan, Belqis Vardabili, Leila (2013): "Precursors to Cognitive Semantics", Tehran: Alam Publications.
- Sarmadi, Mahmoud (2017): "Sura Al Imran in the Contemporary Encyclopedia of the Qur'an,Qom: Salman Azadeh Publications.
- Saeedi, Gholam Abbas (2012): "Linguistic study of the proportionality of verses based on the principle of Grays cooperation", Quranic teachings of Islamic Sciences University, Speaking in the Holy Quran, Tehran:Imam Sadegh University Press.↵
- Tabatabai, Mohammad Hossein (2011): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an" Beirut: Al-Alamy Institute of Lamba'at.
- Tabarsi, Fazlbon Hassan (1993 OR 1993): "Maj. Al-Bayan F. Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasir Khusraw.
- Saneipour, Mohammad Sadegh, and others (2012): "Structuralization of the Text of the Qur'an", Journal of Quranic Teachings, No. 15, Spring and Summer.↵
- Safavid, Cyrus (2013): "Applied Seismology", Tehran:Hamshahri Publications.
- Taleghani, Mahmoud (1983): "A Part of the Qur'an," Tehran: Ghadyani Publications.
- Tusi, Muhammad b. Hasan (1409/1409): "Tebyan fi Tafsir al-Qur'an" Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi.
- Fakhr Al-Razi, Muhammad b. 'Umar (1420/1420): Al-Tafsir al-Kabir, Beirut: Dar Ahya al-Tarth al-Arabi.
- Ghaemini, Alireza (2010): Biology of Semiotics and Interpretation of the Qur'an, Tehran: Research Organization.
- Kashani, Fathollah (Bita): "Manhaj al-Sadeqin's interpretation of the opposition's requirement"↵, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya.
- Lions, John (2012): "An Income on The Semantics of Language", Translated by Cyrus Safavi, Tehran:Elmi.

- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424/1915): Atfasis al-Kashif, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya, Tehran.
- McCaric, IRNA Rima (2006): "The Knowledge of Contemporary Literary Theories"-, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Aug.
- Makarem Shirazi, Nasser, and others (1992): "Exemplary Interpretation", Tehran: Dar al-Katab al-Islamiyya.
- Mousavi Hamedani, Seyed Mohammad Baqer (1995): "Translation of Tafsir al-Mizan", Tehran: Islamic Publications of The Society of Seminary Teachers of Qom.
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali, Jabbari Amir Attaollah, and Beheshti Nargess (2012): "Qur'anic Writings in the Eyes of Mohammad Abed al-Jabari," -Qur'anic Teachings of Spring and Summer 2012, Sh15, pp. 73-100.-
- Mir Sadeghi, Jamal (2007): "Fiction Literature" (Tales, Romances, Short Stories, Novels)," Tehran: Sokhan Publications.
- Grice, H. P. (1975), Utterer's Meaning, Sentence Meaning and Word Meaning. In foundations of language, international Journal of Lanuguage and Philosophy, Vol. 4, D. Reidel Publishing Company: Dordrech-Holland.
- Grice, H. P (1975), "Logic and Conversation". In Syntax and Semantics, Vol.3 Speech Acts. Eds, Peter Cole and Jerry L. Morgan, New York, San Francisco and London: Academic Press
- Herman, Vimala (1995), Dramatic Discourse: Dialogue as Interaction in plays, London and New York: Routledge
- Leech, Geoffrey (1983), Principles of pragmatics, London: Longman
- Levinson, S.C (1983), Pragmatics, Cambridge: Cmbridge University Press
- Marmaridou, Sophia S. A (2000), Pragmatic Meaning and Cognition, Amsterdam/Philadelphia: John Benjami.



سال پنجم
شماره اول
پیاپی: ۸
بهار و تابستان
۱۴۰۰